

جایگاه مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری

سیدحسین حجازی

کارشناسی حمل و نقل و ترافیک شهری، دانشگاه جامع علمی کاربردی نجف آباد.

چکیده

مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری به عنوان یک عنصر اساسی و کلیدی در فرآیندهای توسعه شهری شناخته می‌شود. این مقاله به بررسی جایگاه و اهمیت مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری می‌پردازد و تأثیر آن را بر بهبود کیفیت زندگی، شفافیت تصمیم‌گیری و تقویت حس تعلق اجتماعی تحلیل می‌کند. با توجه به چالش‌های روزافزون ناشی از رشد سریع شهرنشینی، از قبیل آلودگی، ترافیک و کمبود فضاهای سبز، نیاز به جلب مشارکت فعال ساکنان در فرآیندهای برنامه‌ریزی بیش از پیش احساس می‌شود. هدف این مقاله، ارائه یک دیدگاه جامع درباره نقش و تأثیر مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری و توسعه پایدار است. در نهایت، نتایج این تحقیق می‌تواند به بهبود فرآیندهای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کمک کند و به ایجاد شهرهایی پایدار و متناسب با نیازهای ساکنان منجر شود.

واژه‌های کلیدی: شهر، مشارکت، برنامه ریزی، برنامه ریزی شهری

مقدمه

برنامه‌ریزی شهری به عنوان یک فرآیند پیچیده و چندوجهی، به طراحی و توسعه فضاهای شهری و بهبود کیفیت زندگی ساکنان شهرها می‌پردازد. در این راستا، یکی از عوامل کلیدی و اساسی که می‌تواند تأثیر عمیقی بر موفقیت برنامه‌های شهری داشته باشد، مشارکت مردم است. مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری نه تنها به عنوان یک اصل دموکراتیک، بلکه به عنوان یک ابزار مؤثر برای شناسایی نیازها و خواسته‌های جامعه، افزایش شفافیت و پاسخگویی، و بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها مطرح می‌شود. در دنیای امروز، با توجه به رشد سریع شهرنشینی و افزایش چالش‌های مرتبط با آن، از قبیل آلودگی، ترافیک، و کمبود فضاهای سبز، نیاز به مشارکت فعال مردم در فرآیندهای برنامه‌ریزی شهری بیش از پیش احساس می‌شود. مشارکت مردم می‌تواند به شناسایی مشکلات و چالش‌های محلی کمک کند و به برنامه‌ریزان این امکان را بدهد که بر اساس نظرات و تجربیات ساکنان، راهکارهای بهتری برای حل مسائل شهری ارائه دهند. علاوه بر این، مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری می‌تواند به تقویت حس تعلق و هویت اجتماعی در میان ساکنان کمک کند. زمانی که مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت دارند، احساس مالکیت بیشتری نسبت به محیط زندگی خود پیدا می‌کنند و این امر می‌تواند به افزایش مسئولیت‌پذیری و همکاری در حفظ و بهبود فضاهای شهری منجر شود. با این حال، مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری با چالش‌هایی نیز همراه است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به عدم آگاهی و اطلاعات کافی مردم، موانع فرهنگی و اجتماعی، و همچنین فقدان سازوکارهای مؤثر برای جلب مشارکت اشاره کرد. بنابراین، بررسی جایگاه مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری و شناسایی موانع و فرصت‌های موجود در این زمینه، می‌تواند به بهبود فرآیندهای برنامه‌ریزی و توسعه پایدار شهری کمک کند. در این مقاله، به بررسی اهمیت و جایگاه مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری خواهیم پرداخت و به تحلیل نمونه‌های عملی از شهرهای مختلف و چگونگی پیاده‌سازی این مشارکت در فرآیندهای برنامه‌ریزی خواهیم پرداخت.

برنامه ریزی شهری

برنامه ریزی شهری یک فرایند پیوسته و گویاست که روابط انسانی تضمین کننده پویایی آن است. بدین جهت برای تامین خدمات شهری و در نظر گرفتن عوامل مختلف اقتصادی و اجتماعی در یک نظام برنامه ریزی شهری جامع و پویا مشخص کردن اهداف سیاست‌ها و برنامه های توسعه شهری و هماهنگ کردن تمامی این عوامل با سایر برنامه های عمرانی در سطح منطقه ای و کشوری و تنظیم برنامه ها و طرح ها در دوره های زمانی معین دارای اهمیت ویژه ایی است (شیعه، ۱۳۹۱: ۹۴). در الگوهای اولیه ی برنامه ریزی شهری کمتر می‌توان اثری از نظریه پردازی های معطوف به نظام های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی اثر گذار بر الگوی هدایت و کنترل شهر را مشاهده کرد تبیین جزئیات بیشتر و تلاش برای کمی سازی متغیرهای حاکم بر برنامه و فرایند برنامه ریزی نگاهی محصول گرا در این زمینه است. اما در چند دهه ی اخیر به دنبال گسترش شهرنشینی و به تبع آن افزایش مشکلات شهری از یک طرف و توسعه علوم اجتماعی و نظریات برنامه ریزی و مدیریت لازمه استفاده از نظریات برنامه ریزی شهری در قالب‌های جدید و به ویژه اهمیت بیشتر نقش مردم و اجتماعات محلی اجتناب از حاکمیت محض متغیرهای برنامه و فرآیند محور شدن آن است. بدین جهت برنامه ریزی شهری و منطقه ایی در پیکره ی فکری جدید ارتباط زیادی با نظریه های فلسفی و اجتماعی و گرایش های سیاسی پیدا کرده است (اجلالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۰).

مفهوم مدیریت مشارکتی

برخی از دانشمندان مدیریت از جمله (ley perston and jims best) مشارکت را سومین و مهمترین انقلاب در مدیریت می دانند مدیریت مشارکتی یکی از شیوه های نوین انگیزشی در اداره امور سازمان ها در بخش های خصوصی و عمومی است (سنایی و همکاران، ۱۳۹۷).

مدیریت مشارکتی یعنی درگیر شدن کارکنان در فرآیند تصمیم گیری دعوت از همه افراد به تفکر راهبردی و قبول مسئولیت فردی برای کیفیت کار و تولیدات آنها حمایت و پاداش رفتار کارکنان که از دید آنها لحظه به لحظه ارباب رجوع را ارضا و عملکرد سازمان را بهبود میبخشد. در هر حالت، مدل مشارکتی، نظارت اصلی بر سازماندهی تربیت و راهنمایی کارکنان همچنین خودکنترلی را مستثنی نمی کند. به واقع مدیریت مشارکتی ارتباط دایم متقابل و نزدیک بین مدیریت ارشد و کارکنان است. عناصر اولیه پایه ای برای مدیریت مشارکتی عبارتند از:

- تسهیم اطلاعات مربوط به مسائل کسب و کار و نتایج آن

- جبران خدمت برای آن نتایج

-دانشی که به افراد اجازه درک و سهیم شدن در آن نتایج را می دهد و داشتن قدرتی که آنها را در تصمیم گیری یاری می کند. اسپراتیزر عنصر پنجمی را به این ۴ عنصر اضافه می کند و این نکته را به اثبات می رساند که موقعیت برای کسی که در آن کار می کند، معنی دار است (صداقت نوری، ۱۳۹۳). هنگامی که مدیریت مشارکتی با به گستره ی مدیریت شهری می گذارد، می توان آن را این گونه بیان کرد که:

مدیریت مشارکتی شهری یعنی توانمندسازی شهروندان به منظور مداخله در فرآیند تصمیم گیری مدیریت شهری بایستگی مدیریت مشارکتی شهری آن گاهی برجسته تر خواهد شد که دریابیم از یک سو قدرت و ثروت همیشه در قبضه ی معرفت بوده اند و امروزه این چیرگی آشکارتر شده است و و از سوی دیگر اطلاعات در اختیار افراد است و بروز آن وابسته به همکاری فعال آنهاست. افزون بر این مفهوم شهروندی وابسته است به مشارکت شهروندان در امور سیاسی اقتصادی اجتماعی و اداره ی شهر خویش اهمیت مشارکت در مدیریت شهری به اندازه ای است که بنابر اطلاعات بانک جهانی یکی از چهار تغییر ساختاری در مدیریت شهری مربوط است به تقویت دولت ها و دیگر سرمایه گذاران برای شناسایی مشکلات شهری، از طریق مشورتهایی که نهادهای شریک در سطح محلی، منطقه ای و ملی را درگیر کند. این گفته زمانی اهمیت بیشتری می یابد که دریابیم یکی از جریانهای بازآفرینی دموکراسی در عصر اطلاعات بازآفرینی دولت محلی است. رویهم رفته اینکه نهادینه سازی روند توانمندسازی اجتماعات برای مشارکت گامی به سوی توسعه ای پایدار فراگیر و راستین است. مدیریت مشارکتی شهری با فراهم آوری زمینه ی مشارکت شهروندان مدیریت شهری را از قوانین مشارکت بهره مند می کند برخی از این قوانین عبارتند از: مشارکت شهروندان سبب فراهم شدن احساس مالکیت، افزایش روحیه و کاهش مقاومت در برابر تغییر پشتیبانی بیشتر از آنچه خود در ساختنش سهیم هستند. با نگاهی به گفته ی فرید من که برنامه ریزان می توانند قدرت برنامه ریزی را برای تغییر تعادل نیروها به سمت اهداف عدالت اجتماعی و در برگیری اهداف عدالت اجتماعی در فرآیندهای فزایندهی باز ساخت سازی منطقه ای و شهری، دخالت دهند. درخواهیم یافت که مدیریت مشارکتی با فراهم کردن زمینه ی بهره مندی از فواید مشارکت شهروندان در مدیریت می تواند در راستای عدالت اجتماعی و بازساخت سازی فضای شهری بسیار کارآمد نمایان شود. بی تردید سیاست گذاری و مدیریت شهرها، بدون مشارکت مردمی و به کارگیری روش های نوین مدیریت امکان پذیر نیست (صادقی و رهنما، ۱۳۹۰).

دیدگاه های نظری درباره مشارکت

به طور خلاصه انواع مشارکت از نظر سطح خرد میانی کلان از نظر انواع بر حسب انگیزه های ایجاد آن درون زا برون زا بر حسب چگونگی دخالت مردم مستقیم غیر مستقیم، بر حسب سطوح فراگیری محلی منطقه ای ملی بر حسب کیفیت همکاری مردم طبیعی خودانگیخته، داوطلبانه برانگیخته تحمیلی یا اجباری بر حسب سطوح اجرایی بهره مندی از خدمات ارزیابی خدمات ارائه پیشنهاد، تصمیم گیری و برنامه ریزی اجرا و نظارت و بر حسب موضوع و قلمرو (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی) را شامل می شود (طالب، ۱۳۷۵).

در اینجا برای تعیین مرز مشخصی بین مفهوم شهرسازی مشارکتی و سایر انواع مشارکت لازم به تعریف خاصی برای شهرسازی مشارکتی می باشد تا در چارچوب اهداف مد نظر تحقیق حاضر قرار گیریم؛ تعریف مزبور عبارتست از مشارکت مردم در ایجاد اصلاح و اداره محله و محیط مسکونی خود به این ترتیب، تفاوت دقیق شهرسازی مشارکتی با دیگر انواع اصلی مشارکت مانند مشارکت اجتماعی و سیاسی در توجه به محیط مسکونی و مکانی خاص است. در این بخش مهمترین ابعاد شهرسازی مشارکتی بررسی می شود.

محورهای شهرسازی مشارکتی

از میان آرا و نظریات متعددی که به این حوزه میپردازند می توان اصول زیر را به عنوان محورهای شهرسازی مشارکتی استخراج نمود (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴). در هر پروژه مشارکتی باید بهبود و ارتقاء کیفیت محیطی ساکنان فعلی محل اصل قرار گیرد. چنانکه در پروژه ای جابجایی یا تخلیه ساکنان یک محل به دلیل استفاده اقتصادی یا توسعه ای از زمینی که آنها در آن سکونت دارند پیشنهاد شود آن پروژه دیگر نمی تواند یک پروژه شهرسازی مشارکتی محسوب شود. در ابتدای هر پروژه شهرسازی مشارکتی اهداف سیاست ها و چارچوب های برنامه ریزی با توافق مردم تعیین گردیده و سپس کار برنامه ریزی آغاز می گردد. در یک پروژه شهرسازی مشارکتی واقعی در صورتی که مشارکت هزینه هایی نیز در بر داشته باشد، برنامه ریزان و مسئولین پروژه حاضر به تقبل آن می باشند.

دیدگاه های مختلف مشارکت مردمی در پروژه ها

اصولاً مشارکت مردمی در هر پروژه ای را می توان در هفت سطح طبقه بندی نمود. این هفت سطح که می تواند از شکل بسیار سطحی و ظاهری آن یعنی قریب "و صوری تا بالاترین سطح آن یعنی "خودانگیختگی باشد بصورت زیر دسته بندی شده است: - خودانگیختگی مردم خود مبتکر پروژه بوده جهت منابع و کمکهای فنی با نهادهای دیگر تماس می گیرند لیکن مردم کنترل منابع پروژه را همچنان در دست خود حفظ می نمایند. در صورت حمایت دولت و نهادهای غیر دولتی چنین پژوهشهایی می توانند به اجرای کامل برسند.

- مشارکت تاملی مبتکر پروژه یک نهاد خارجی است که در ارتباط با مردم محلی فعالیت می نماید. مردم در تحلیل مسائل تدوین برنامه های اجرایی و تشکیل نهادهای اجرایی و مدیریتی مشارکت می نمایند.

- مشارکت عملکردی مشارکت از سوی نهاد خارجی بعنوان وسیله ای جهت تحقیق پروژه به خصوص کاهش هزینه ها از طریق ارائه نیروی کار و مدیریت رایگان تلقی می شود.

- مشارکت بخاطر انگیزه های مادی مردم تنها به واکنش نسبت به انگیزه های مادی مشارکت می نمایند.

- اطلاعات دهی و مشورت کردن نظرات مردم جهت تعیین نیازها و اولویت های مردم گرفته می شود. لیکن میزان جمع آوری اطلاعات و کنترل تحلیل ها بوسیله نهاد خارجی از طریق تشخیص مسئله و راه حل های مورد نظر معین می شود.
- مشارکت انفعالی به مردم گفته می شود که چه چیزی انجام خواهد شد بدون اینکه نظرات آنها خواسته شده و یا قدرتی در تغییر امور داشته باشند.
- قریب و صوری (شعاری) تظاهر به مشارکت است که انجام می پذیرد بعنوان مثال، نمایندگانی در هیئت های رسمی گماشته شده باشند بدون اینکه این افراد انتخاب شده و یا قدرتی داشته باشند (مرادی مسیحی، ۱۳۹۰).

ایده های برگزیده برنامه ریزی با رویکرد شهرسازی مشارکتی

لازم است از مجموعه مباحث نظری مربوط به شهرسازی مشارکتی اهداف و راهبردهایی برای برنامه ریزی و طراحی بر طبق الگوی شهرسازی مشارکتی به عنوان دست مایه های عملی برنامه ریزی و طراحی استخراج نمود (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴). در این قسمت ایده های شهرسازانه مستتر در تجربیات و نظریات مشارکت به طور خلاصه ارائه می شود:

الف) اهداف اصلی برنامه ریزی

- ایجاد بستری برای نزدیکی انسان ها با یکدیگر از طریق افزایش تعاملات اجتماعی
- برنامه ریزی فضایی به مطلوب ترین و پایدارترین شکل با بهره گیری از مشارکت مردمی
- ارتقاء کیفیت محیطی
- توانمند کردن مردم به در دست گرفتن سرنوشت خود و مشارکت در طرح ها
- افزایش میزان رضایت عمومی از فضای زندگی

ب) راهبردهای برنامه ریزی

- با توجه به اهداف فوق راهبردهایی که بتواند نظامی مناسب برای رسیدن به این اهداف و تدوین طرحی مشارکتی، تدارک ببیند ارائه می شود. این راهبردها عمدتاً خصلتی غیر کالبدی داشته و می کوشند چارچوب و ساختاری مناسب برای شهرسازی فراهم کنند راهبردهای فوق به شرح زیر هستند:
- حمایت از شوراهای و انجمن های محلی و تسهیل فعالیت آنها
- مبتنی کردن فرایند شناخت وضع موجود تشخیص نیازها و اولویت ها بر روش های مشارکتی
- شناسایی گروه های اصلی ذی نفوذ در جریان تصمیمات محلی برقراری ارتباط مستمر با آنها و لحاظ کردن آرائشان
- شناسایی و تعدیل اختلاف نظرهای موجود بین بهره وران از طریق گفتگوی فعال بین همه طرف ها
- تبادل اطلاعات بین همه طرف ها بصورت فعال، همه جانبه و مداوم
- ثبت تعهدات همه طرف های مشارکت کننده بطور شفاف و مشخص کردن سازوکاری برای تضمین عمل به تعهدات
- تدوین سازوکار اعتراض به طرح و نظارت بر طرح از جانب شهروندان
- ایجاد سازوکاری برای همکاری مستمر و فراگیر اهالی در فرایند اجرا (علوی تبار، ۱۳۸۲).

سابقه ی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران

در شهرهای گذشته ایران الگوهای مشارکتی چندانی برای اداره ی شهرها وجود نداشت و مشارکت افراد بیشتر در زمینه امور مربوط به تولید اقتصادی مانند دامداری و کشاورزی بود اما با این همه در یک زمینه مشارکت های مردمی برجسته و در خور توجه بوده و آن فعالیت های مذهبی است. از جمله اینها می توان به برگزاری مراسم عزاداری مذهبی اشاره کرد که در آن شهروندان در ساختن تکیه ها و حسینیه ها مشارکت فعال داشته اند. از همین دست ساخت و اداره مسجد که همواره با همکاری اهالی هر محله و با مشارکت آنها در تأمین هزینه و نیروی کار لازم صورت می پذیرفته است. به بیانی دیگر می توان گفت تا پیش از انقلاب مشروطیت هیچ گاه نظام سیاسی حاکم اجازه و فرصت مشارکت به مردم را نمی داد و کشور به شکل خودکامه و تنها بر اساس نظرات شاه و اطرافیان او اداره می شد نخستین الگوی مشارکتی جدید که با الهام از تحولات کشورهای اروپایی مانند فرانسه در ایران پیاده شد مجلس شورای ملی بود. پس از تشکیل شورای ملی نخستین گام برای تثبیت نقش مردم در اداره امور شهرها با تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی در سال ۱۲۸۶ برداشته شد که تقریباً هیچ گاه به مرحله اجرا در نیامد. در حال حاضر مفهوم مشارکت در جامعه ما با سوء تعبیرها و درکهای نادرست بسیاری آمیخته است. درک غالبی که در این مورد وجود دارد عبارت است از سهمیم کردن مردم در اجرای پروژه های ساختمانی از طریق تأمین اعتبار مالی این پروژه ها بر اساس این تعریف پروژه هایی همچون طرح نواب تهران و نیز مجتمع سازی در شمال تهران و اخیراً در منطقه ۲۲ تهران و کرج پروژه های مشارکتی تلقی می شوند. با توجه به نظریات مشارکت پروژه های فوق تنها پیش فروش واحدهای مسکونی و تجاری می باشند. نه مشارکت شهروندان همچنین کوپن هایی به نام اوراق مشارکت در طرح فلان منتشر می گردد که هر چند عنوان زیبای مشارکت را برای خود دارد اما عملاً چیزی جز جبران کمبود نقدینگی برای اجرای طرح های شهری نیست. این پروژه ها به کلی خارج از قلمرو مشارکت بوده و نمی توان آن ها را شهرسازی مشارکتی محسوب کرد با توجه به شرایط موجود در ایران و تجربیاتی که نام مشارکت را بر خود دارند.

به لحاظ محتوا و واقعیت طرح های مشارکتی ایرانی هنوز با نخستین پله های شهرسازی مشارکتی فاصله زیادی دارد این امر به دو علت است:

- فقر نظری در آگاهی از ابعاد عمیق مشارکت واقعی

- نبود اراده مدیریتی جدی برای مشارکت دادن شهروندان و پذیرش هزینه های آن

هر چند که تجربه های موجود با مشارکت واقعی تفاوت چشمگیری دارد اما در همین حال تجربه هایی هر چند نادر ولی امیدوار کننده مانند تجربه شیرآباد زاهدان می توان پیدا کرد که در بسیاری از جنبه ها به مشارکت واقعی نزدیک شده است. وجود این گونه تجربیات که با حمایت مقامات محلی صورت پذیرفته است موید آن است که در شرایط ایران هم اگر اراده مدیریتی واقعی برای جلب مشارکت شهروندان وجود داشته باشد اجرای عملی طرح های شهرسازی مشارکتی دور از دسترس نخواهد بود. در یک جمع بندی نهایی از برنامه ریزی مشارکتی در طرح ها و برنامه ریزی شهری موارد ذیل قابل ارزیابی است.

مشارکت یکی از پیچیده ترین و بحث برانگیزترین موضوعات علمی است و با توجه به زمینه علمی آن تعاریف گوناگونی از آن به عمل آمده است. اما در مجموع می توان مشارکت را فرآیند درگیر شدن و شرکت فعالانه افراد به صورت سازمان یافته در انجام اموری مشخص دانست.

برنامه ریزی شهری با رویکرد مشارکتی را می توان مشارکت شهروندان در ایجاد، اصلاح و اداره محله و محیط مسکونی خودشان دانست. مهمترین اصولی که برای این نوع برنامه ریزی می توان عنوان کرد شامل تقدم خواسته ها علایق و منافع مردم ساکن

در محل یا مردمی که برنامه ریزی برای آن ها صورت می گیرد و تعیین اهداف سیاست ها و چارچوب های برنامه ریزی با توافق مردم دانست.

در رابطه با مشارکت شهروندان در طرح های توسعه ی شهری شیوه هایی وجود دارد که از نظر سازمان و نظم می توان آنها را به چهار گروه تقسیم کرد:

۱- شیوه های سازمان نیافته و نامنظم که خود به سه طبقه مراجعه برنامه ریزان به مراکز تجمع تشکیل جلسه های اطلاع دهی به وسیله مؤسسه برنامه ریزی و تشکیل شوراهای برنامه ریزی محلی تقسیم بندی می شود.

۲- شیوه های سازمان یافته و منظم که خود شامل کمیته های مشورت با مردم شوراهای محلی نیروهای ویژه وظیفه خاص می شود.

۳- شیوه های فعال که شامل شیوه گروه برگزیده تجزیه و تحلیل قضاوتها و تجزیه و تحلیل ارزش ها می شود و

۴- شیوه های انفعالی (طالشی و عفتی، ۱۳۹۶).

برنامه ریزی مشارکتی

برنامه ریزی مشارکتی را چنین تعریف می کنند مجموعه ای از فرایندهایی که از طریق آن گروه ها و تمایلات متنوع با هم تعامل می کنند تا برای تهیه یک برنامه و نحوه انجام آن به توافق برسند. برنامه ریزی مشارکتی بر اصول زیر مبتنی است:

- جامعه متکثر است.

- در جامعه بین منافع افراد تضادهای مشروعی وجود دارد.

- قدرتمندی فردی یا گروهی نباید منجر به تحمیل نظر آنها بر سایرین گردد.

- طرف های درگیر باید برای تکمیل اطلاعات یکدیگر به تبادل اطلاعات با هم پرداخته و از این طریق بکوشند با دیدگاه های یکدیگر آشنا شده و تعارضات را کاهش دهند.

- هیچ فرد یا گروهی در جریان دستیابی به توافق نباید کنار گذاشته شود.

- برنامه ریزی مشارکتی بر اساس اقدامات خاص انجام می شود

- آموزش جدید برای پرسنل سازمانهای توسعه در برنامه ریزی مشارکتی لازم است.

- روش مشارکتی در حال توسعه

- اطمینان از تصویب روش مشارکتی دولت

- تعیین عوامل فعال در کارهای مختلف نقش آنها و درجه مشارکت آنها در این فعالیتها

- تعیین مشارکت فعال و مجهول لازم

- روش توسعه تصمیم گیری گروهی

- ایجاد شناخت محلی

- تثبیت استانداردهای مناسب که در جامعه تولید شده و توسط قدرت مسئول آن اصلاح شده است.

جایگاه مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری

برنامه ریزی شهری به دلیل ماهیت و کارکرد خود همه ی اعضای یک جامعه را به شکل های گوناگون و به میزانی متفاوت متأثر می کند زیرا با تخصیص زمین و فضا به فعالیت های مختلف و هدایت تغییرات آن در طی زمان ساز و کار برنامه ریزی نه فقط می تواند بر ارزش زمین و فضا بلکه بر پخش و باز پخش ثروت نیز اثر بگذارد. به همین دلیل در برنامه ریزی همواره پرده ای از رازداری در مسیر کار تهیه ی برنامه ها و انتخاب بین راهبردهای گزینه تا مرحله ای که در یک تصمیم نهایی همه چیز آشکار می شود وجود دارد (میار نعیمی و همکاران، ۱۳۹۲).

بنیادی ترین اندیشه زیر ساختی مشارکت پذیرش اصل برابری در فرصت ها برای مردم است. بنا بر شواهد تاریخی شهرها پویا هستند و همیشه در مسیر توسعه قرار دارند یکی از مسائل مهم در برنامه ریزی شهری، بحث مشارکت پایدار مردم در بخش های مختلف شهری است. اصولاً اگر قرار باشد مشارکت را در یک رویکرد عملگرایانه به عرصه ی برنامه ریزی شهری وارد کنیم باید این مشارکت در محیط اجتماعی و اقتصادی و در همه رفتارها و فعالیت های روزانه افراد و ساکنان شهری تعیین و تبیین شود. برنامه ریزی شهری دارای جایگاهی مهم و نقشی بلند در تکنیک برنامه ریزی کلان جامعه است. برنامه ریزی شهری با ارزیابی روند توسعه شهری بر نقش و مشارکت شهروندان در این عرصه نظریات ارزنده ای داشته اند. توسعه در گرو نوعی خاص از مشارکت یعنی مشارکت سازمان یافته و همبسته داوطلبانه خود جوش شکل می گیرد مشارکت مردمی شرط اصلی توسعه شهری قلمداد می شود برنامه ریزی حوزه ای است که نیازمند مشارکت است. یکی از اصول برنامه ریزی در دنیای جدید توجه به مشارکت فعال و اثر بخش همه جانبه ی افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه می باشد برنامه ریز باید برنامه های متنوعی برای حل مشکلات مردم پیشنهاد نماید در این شرایط مردم بیشترین حق انتخاب را دارند و باید بتوانند آزادانه در برنامه هایی منطبق بر خواسته ها اهدافشان است شرکت نمایند وظیفه اصلی یک برنامه ریز تعریف و تبیین اهداف نیست دغدغه اصلی وی باید تعریف برنامه ها برای رسیدن به اهداف باشد. او باید نخست تمام تلاش خود را به مردم اختصاص دهد و در درجه دوم به ساختمانها و محیط فیزیکی شهر (صفایی پور، ۱۳۹۶).

جایگاه مشارکت شهروندی در قوانین

در مقوله مدیریت شهری در ایران با سابقه ای نزدیک به ۱۰۰ سال و امر برنامه ریزی و توسعه شهری با سابقه ای ۶۰ ساله در جهت ساماندهی امور شهری در ابعاد مختلف حیات شهری به منظور انجام فعالیت ها با توجه به ساختار سیاسی تمرکزگرا تحولات چشمگیری اتفاق افتاده است. عدم مشارکت مردم و نهادهای مردمی در امر برنامه ریزی توسعه و مدیریت شهری همواره به عنوان چالش جدی و یکی از عوامل عدم تحقق طرح ها به شمار آمده است. بررسی سوابق بیانگر این است که کلان شهرهای ایران در گذشته هیچ گاه به صورت یکپارچه مدیریت نشده است و همواره طیف وسیعی از سازمان ها متناسب با شرح وظایف خود در اداره امور شهر دخالت داشته اند. از جنبه دیگر هیچگاه اداره امور شهر توسط مردم به طور جدی مدنظر قرار نگرفته است. به موجب قانون مصوب ۱۳۲۵ ه ش برای اداره امور شهر دو موسسه انجمن بلدی و اداره بلدیة تشکیل می گردید. اعضای انجمن بلدی را ساکنان شهر انتخاب نموده و به کلیه امور مربوط به اصلاحات توسعه بهداشت پاکیزگی و زیبایی شهر رسیدگی و تصمیم گیری می کرد و اداره بلدیة تحت نظر انجمن فوق موظف به اداره امور شهر بود قانون فوق قبل از اجرا فسخ گردید (پناهی و کاویانی، ۱۳۹۰: ۷). در آذرماه ۱۳۶۱ با تصویب قانون تشکیلات شورای اسلامی شهر و روستا قوانین مغایر آن لغو گردید و با تشکیل شوراهای اسلامی گام بلندی در جهت مشارکت شهروندان در تصمیم گیری ها و انتخاب مدیران اداره

امور شهر برداشته شد. با وجود پیش بینی هایی که در قانون برای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها دیده شده است به نظر میرسد در سیستم اداری و مدیریتی شهرداری ها و روند اجرای امور موانع و مشکلات متعددی برای شکل گیری مشارکت معنی دار و فراگیر شهروندان وجود دارد با این وجود در سال های اخیر توجه شهرداری ها به مشارکت شهروندان بیشتر شده است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۳).

نقش و تأثیر مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری و توسعه پایدار

مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری به عنوان یک فرآیند دموکراتیک و تعاملی، نقش حیاتی در شکل گیری و توسعه پایدار شهرها ایفا می کند. این مشارکت نه تنها به بهبود کیفیت تصمیم گیری ها کمک می کند، بلکه به تقویت حس تعلق و مسئولیت پذیری در میان ساکنان نیز منجر می شود. در این متن، به بررسی ابعاد مختلف نقش و تأثیر مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری و توسعه پایدار خواهیم پرداخت:

۱- شناسایی نیازها و اولویت ها

یکی از مهم ترین مزایای مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری، توانایی آن در شناسایی نیازها و اولویت های واقعی جامعه است. ساکنان محلی به دلیل آشنایی عمیق با محیط زندگی خود، می توانند اطلاعات ارزشمندی درباره مشکلات و چالش های موجود ارائه دهند. این اطلاعات به برنامه ریزان کمک می کند تا بر اساس نیازهای واقعی جامعه، سیاست ها و برنامه های بهتری تدوین کنند. به عنوان مثال، در پروژه های توسعه فضاهای عمومی، نظرات ساکنان می تواند به طراحی فضاهایی منجر شود که به واقع نیازهای اجتماعی و فرهنگی آن ها را برآورده کند.

۲- افزایش شفافیت و پاسخگویی

مشارکت مردم در فرآیندهای برنامه ریزی شهری، به افزایش شفافیت و پاسخگویی در تصمیم گیری ها کمک می کند. زمانی که مردم در فرآیندهای تصمیم گیری مشارکت دارند، احساس می کنند که صدای آن ها شنیده می شود و این امر به افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و برنامه ریزان منجر می شود. شفافیت در فرآیندهای برنامه ریزی می تواند به کاهش فساد و سوءاستفاده های احتمالی کمک کند و به بهبود کیفیت خدمات عمومی منجر شود.

۳- تقویت حس تعلق و هویت اجتماعی

مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری می تواند به تقویت حس تعلق و هویت اجتماعی در میان ساکنان کمک کند. زمانی که مردم در فرآیندهای تصمیم گیری و طراحی فضاهای عمومی مشارکت می کنند، احساس مالکیت بیشتری نسبت به محیط زندگی خود پیدا می کنند. این احساس تعلق می تواند به افزایش مسئولیت پذیری و همکاری در حفظ و بهبود فضاهای شهری منجر شود. به عنوان مثال، پروژه های مشارکتی در زمینه توسعه فضاهای سبز می تواند به ایجاد جامعه ای فعال و متعهد به حفاظت از محیط زیست منجر شود.

۴- ارتقاء کیفیت زندگی

مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری به بهبود کیفیت زندگی ساکنان کمک می کند. با توجه به اینکه ساکنان به عنوان ذینفعان اصلی فضاهای شهری، نیازها و خواسته های خاص خود را دارند، مشارکت آن ها می تواند به طراحی فضاهایی منجر شود که به واقع نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن ها را برآورده کند. به عنوان مثال، در طراحی فضاهای عمومی، نظرات ساکنان

می‌تواند به ایجاد فضاهایی با دسترسی آسان، امنیت و امکانات مناسب منجر شود که در نهایت به افزایش کیفیت زندگی ساکنان کمک می‌کند.

۵- توسعه پایدار

مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری به تحقق اهداف توسعه پایدار کمک می‌کند. با توجه به چالش‌های محیطی و اجتماعی که شهرها با آن‌ها مواجه هستند، نیاز به رویکردهای پایدار در برنامه‌ریزی شهری بیش از پیش احساس می‌شود. مشارکت مردم می‌تواند به شناسایی راهکارهای نوآورانه و پایدار برای حل مشکلات شهری کمک کند. به عنوان مثال، در پروژه‌های مربوط به مدیریت پسماند، مشارکت ساکنان می‌تواند به افزایش آگاهی و مسئولیت‌پذیری در زمینه حفاظت از محیط زیست منجر شود.

۶- چالش‌ها و موانع مشارکت

با وجود مزایای فراوان مشارکت مردم، چالش‌ها و موانعی نیز در این زمینه وجود دارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به عدم آگاهی و اطلاعات کافی مردم، موانع فرهنگی و اجتماعی، و همچنین فقدان سازوکارهای مؤثر برای جلب مشارکت اشاره کرد. به همین دلیل، برنامه‌ریزان باید به دنبال ایجاد بسترهای مناسب برای جلب مشارکت مردم باشند و از روش‌های مختلفی مانند کارگاه‌های آموزشی، نظرسنجی‌ها و جلسات مشاوره‌ای استفاده کنند.

مشارکت مردم در برنامه‌ریزی شهری به عنوان یک عنصر کلیدی در توسعه پایدار، تأثیرات عمیقی بر کیفیت زندگی ساکنان و بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری دارد. با شناسایی نیازها و اولویت‌های واقعی جامعه، افزایش شفافیت و پاسخگویی، تقویت حس تعلق و هویت اجتماعی، و ارتقاء کیفیت زندگی، مشارکت مردم می‌تواند به تحقق اهداف توسعه پایدار کمک کند. با این حال، برای بهره‌مندی از این مزایا، لازم است که چالش‌ها و موانع موجود در مسیر مشارکت مردم شناسایی و برطرف شوند. در نهایت، ایجاد شهرهایی پایدار و متناسب با نیازهای ساکنان، نیازمند همکاری و مشارکت فعال همه ذینفعان، از جمله مردم، برنامه‌ریزان و نهادهای دولتی است.

منابع و مآخذ

۱. اجلالی؛ پرویز، عسگری؛ علی، رفیعیان؛ مجتبی، نارویی؛ مهناز، ۱۳۹۴، تجربه برنامه ریزی در جهان پیدایش و سیر تطور، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، چاپ اول.
۲. شیعه، اسماعیل، ۱۳۹۱، مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران، مرکز انتشارات، چاپ سی و یکم.
۳. عزیزاده، کتایون؛ رضوی نژاد، مرتضی، رادفر، مینا، ۱۳۹۳، بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، سال اول، شماره ۱ اول).
۴. پناهی، محمد؛ عادل کاویانی، یونس؛ داه، الهام، ۱۳۹۰، طرح ساماندهی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر با رویکرد محله محوری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر، تهران مدیریت امور مناطق.
۵. سعیدی رضوانی، هادی، ۱۳۸۴، عملیاتی کردن شهرسازی مشارکتی در شرایط ایران نمونه قلعه آبکوه مشهد، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۸، صص ۲۳-۳۴.
۶. صداقت نوری، حسین، ۱۳۹۳، سیاست پژوهی پارادایم های مشارکتی شهروندان در مدیریت محیط زیست شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۱.
۷. صادقی، مجتبی؛ رهنما، محمد رحیم، ۱۳۹۰، تبیین ساختاری کارکردی مدیریت مشارکتی شهری مطالعه ی موردی: شهر مشهد، پژوهشهای جغرافیای انسانی، دوره ی ۴۵ شماره یک.
۸. صفایی پور، زهرا، ۱۳۹۶، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در توسعه شهری (مطالعه موردی شهر ایلام)، فصلنامه مطالعات عمران شهری، دوره اول، شماره اول.
۹. طالشی، مصطفی، عفتی، محمد، ۱۳۹۶، برنامه ریزی مشارکتی، دانشگاه پیام نور دانشکده علوم اجتماعی.
۱۰. طالب، مهدی، ۱۳۷۵، مدیریت روستایی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. علوی تبار، علیرضا، ۱۳۸۹، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها یافته های تجربی و راهبردها، تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری.
۱۲. میارنعمی، مهر علی؛ ربیع پور، محمد؛ مجیدی، سنور، ۱۳۹۲، عملکرد مدیریت مشارکتی در برنامه ریزی جهت توسعه شهرها، معماری و شهرسازی و توسعه پایدار.